

عمو کاظمی: سریال کمدی نباید خنثی ویی توجه به وضع موجود در ابعاد اقتصادی و سیاسی و اجتماعی باشد. از طرفی این دغدغه مند بودن نباید ما را به شعار دادن و بیانیه خواندن بیندازد. در کل شرط لازم هر کار کمدی به نظرم خنده گرفتن از مخاطب است



بازیگران جوان سریال «وضعیت زرد»

گفت و گو با علی عمو کاظمی، نویسنده سریال «وضعیت زرد»

# در نوشتن کنایه های سیاسی کوتاهی نکردم

بلند تلویزیونی تجربه می کنند. علی عمو کاظمی، نویسنده فیلمنامه این سریال ۳۱ ساله است و از حدود شش سال پیش، وارد عرصه نویسندگی شده است. او مانند سایر تیم پشت صحنه و جلوی صحنه این سریال سن و سال زیادی ندارد اما با همراهی این گروه توانسته سریال قابل توجهی را روانه آنتن کند. سریالی که به بهانه آن در این شماره از «قاب کوچک» به سراغ طنز موقعیت رفتیم و در این بخش از پرونده، در گپ و گفتی با این نویسنده جوان، ژانر سیتکام و سریال وضعیت زرد را از منظر ژانر بررسی کرده ایم که در ادامه می خوانید.

ژانر سیتکام یا همان طنز موقعیت در سال های اخیر چندان ظهور و بروز در سریال های رسانه ملی نداشته است و طنزهای تلویزیونی در زیرژانرهای دیگری تولید می شود. مجموعه «وضعیت زرد» که این روزها در حال پخش از شبکه سه سیماست، تازه ترین تجربه سریال سازی تلویزیونی در این ژانر محسوب می شود. این تجربه جدید را شماری از عوامل جوان در جلو و پشت صحنه این سریال رقم زده اند که بعضی نخستین حضور خود را در یک سریال

مصطفی قاسمیان  
روزنامه نگار

دارای شخصیت های ثابت با ویژگی هایی مشخص هستند که در هر قسمت درگیر داستانی جداگانه می شوند. در سیتکام شخصیت ها دچار ثبات هستند و تحول شخصیت نداریم. در واقع ویژگی شخصیت ها در طول کار ثابت است. بیشتر سکانس های یک سیتکام در تعدادی لوکیشن ثابت فیلمبرداری می شود و صحنه های خارجی محدود هستند. ما در سیتکام در هر قسمت، داستان متفاوتی داریم. بنابراین در مقایسه با سریال های معمول طنز، سیتکام ها ایده محوری پررنگی ندارند، گرچه معمولاً یک یا چند خط داستانی در طول کار پیگیری می شود. معمولاً زمان سیتکام بین ۲۰ تا ۳۰ دقیقه است. به دلیل محدود بودن لوکیشن، دیالوگ های طنز در سیتکام بسیار اهمیت دارد. جنس شوخی ها در سیتکام بسیار به استند آپ کمدی شباهت دارد و به صورت ایده آل در یک سیتکام شخصیت ها با اعمال یا دیالوگ های خود یا در حال خلق یک شوخی هستند یا مقدمه ای می چینند تا از آن یک شوخی بسازند. سیتکام ها به دو دسته استودیویی (مثلاً دوستان، تئوری بیگ بنگ و...) و غیراستودیویی (شeldon جوان، شتر کریک و...) تقسیم می شوند.

فکر می کنید کدام سریال های ایرانی با این تعریف سیتکام بودند؟



به صورت ایده آل در یک سیتکام شخصیت ها یا در حال خلق یک شوخی هستند یا مقدمه ای می چینند تا از آن یک شوخی بسازند

نوشته شده و بخشی از آن واقعی است؟  
اگر منظورتان از واقعی بودن، اخراج دانشمندان هسته ای از سازمان انرژی اتمی است تا آنجا که خبر دارم این اتفاق در سال های گذشته به وقوع پیوسته اما شخصیت سعید، اقتباسی از یک دانشمند واقعی نیست.  
در طراحی شوخی ها و قصه، چقدر از واقعیت برداشت کردید؟

اخراج دانشمندان هسته ای از سازمان انرژی اتمی اتفاقی واقعی بوده، اما خانواده و مشکلات شخصی سعید حاصل داستان پردازی بنده است. به هر حال خیلی از خطوط داستانی جزو مسائل و دغدغه های جامعه و مردم به حساب می آید و مردم شبیه آن اتفاقات را تجربه کرده اند. مثلاً ریزش بورس، آقا زادگی و رانت خواری آقا زاده ها، گرانی مسکن و رفتار چهره های مشهور در فضای مجازی. همین مسائل واقعی منبعی برای الهام داستان پردازی بنده بوده است.

شما درباره انواع زیرژانرهای طنز مطالعه داشتید. تعریف دقیق سیتکام را چه می دانید؟  
سیتکام (sitcom) مخفف عبارت situation comedy یا کمدی موقعیت است. من نمی توانم تعریفی یک خطی از سیتکام ارائه بدهم. بلکه سیتکام را با ویژگی هایش می شناسم. مثلاً این که سیتکام ها



ابتدای کار تهیه کننده به من گفت خود سانسوری نکنم. بنابراین در نوشتن شوخی ها و کنایه های سیاسی کوتاهی نکردم! اما خوشبختانه تلویزیون همکاری خوبی داشت و کار اصلاحات خیلی کمی داشت

تحصیلات شما در زمینه فیزیک هسته ای بوده. از این تحصیلات، چطور به نوشتن سریال طنز رسیدید؟  
بنده از سال ۹۴ طنز نویسی را در باشگاه طنز انقلاب - که زیرمجموعه دفتر جبهه فرهنگی انقلاب است - شروع کردم. آن زمان دانشجوی ارشد رشته مهندسی هسته ای در دانشگاه امیرکبیر بودم. به مرور زمان از طنزهای مطبوعاتی خودم بازخورد مثبت می گرفتم و همچنین در دومین جشنواره طنز دکتر سلام رتبه اول را در بخش متن طنز به دست آوردم. سپس نویسندگی سری پویانمایی های کوتاه «شهر هرت» را به عهده گرفتم. همچنین به دلیل علاقه ای که به فیلمنامه نویسی داشتم، علاوه بر مطالعات سینمایی در کلاس های فیلمنامه نویسی آقای بهروز افخمی و آقای جلیل سامان هم شرکت کردم. در کلاس آقای سامان متوجه شدم ایشان در حال نگارش سریال «زیرخاک» هستند. چند نمونه کار برای ایشان فرستادم تا رضایت دادند به عنوان همکار فیلمنامه نویس به فصل اول زیرخاک اضافه شوم. برای فصل اول این کار شوخی نویسی می کردم و تعدادی از سکانس های کار را نوشتم. بعد از زیرخاک هم که درگیر فیلمنامه وضعیت زرد شدم.

قصه سریال مرتبط با یک دانشمند هسته ای است. آیا بر اساس تجربه خودتان یا دوستانتان